

نشست بررسی کتاب «تاریخ‌نگاری و عکاسی»؛

رحمانیان: قدرت تصویر از بمب اتم بیشتر است

داریوش رحمانیان در نشست بررسی «تاریخ‌نگاری و عکاسی» با بیان اینکه جامعه دانشگاهی باید در راستای اقتباس دانش دیدمانی مدرن گام بردارد، گفت: قدرت تصویر از بمب اتم بیشتر است.

به گزارش ایسکانیوز از موسسه خانه کتاب، نشست معرفی و بررسی کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی با حضور نعمت‌الله فاضلی، داریوش رحمانیان و محمد غفوری عصر دوشنبه (۲۵ دی ماه) در سرای اهل قلم برگزار شد.

محمد غفوری، گردآورنده کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی در این نشست اظهار کرد: استفاده از تصاویر برای انتقال تاریخ صرفاً به ظهور عکاسی محدود نمی‌شود بلکه پیش از آن نیز نقاشی تاریخی، رسانه‌های بصری مشابه آن و ... در دسترس بودند؛ همه این تلاش‌ها برای انتقال تاریخ تکامل پیدا کرد تا اینکه عکس به وجود آمد.

وی با بیان اینکه تمام محصولات صنعت دیداری در اثری به قلم برک ارائه شده‌اند، گفت: زمینه شخصی گردآوری کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی پژوهش تعدادی دانشجوی درباره عکس‌های تاریخی بود. این اثر می‌تواند متکای آثار جامع‌تر در این زمینه باشد.

غفوری با بیان اینکه یکی از بزرگترین گنجینه‌های تاریخ عکس مانند گنجینه کاخ گلستان را در اختیار داریم، توضیح داد: وضعیت تاریخ‌نگاری متکی بر اسناد بصری، در ایران از مشکلات ویژه‌ای رنج می‌برد. بیشتر عکس‌ها در متون تاریخی ما در کتاب‌های عامه‌پسند ارائه شده‌اند که به واقع آسیب جدی محسوب می‌شود؛ این آسیب‌ها در کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی عرضه شده‌اند.

گردآورنده کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی افزود: این اثر مجموعه مقالاتی را دربردارد که هر کدام در یک موضوع متفق‌القول هستند و آن این است که استفاده از عکس در تاریخ باید با نگاه انتقادی توأم باشد. مواجهه انتقادی با عکس‌ها به رخنه در پوسته ظاهری عکس‌ها نیازمند است.

وی با بیان اینکه حرف کلی مقالات این اثر، آن است که برون قاب عکس‌ها نقش مهمی در فهم ما از عکس‌ها دارد، گفت: سیر ترتیب این مقالات به گونه‌ای است که از مباحث ابتدایی اولیه درباره تاریخ شکل‌گیری رویکرد استنادی عکس‌نگاری شروع می‌شود. سپس به یک سلسله مسائل روش‌شناختی اشاره می‌کند و در ادامه، بحث‌های روش‌شناختی عملی در مواجهه با برخی عکس‌های تاریخی ارائه شده‌اند.

داریوش رحمانیان، پژوهشگر تاریخ و دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران در این نشست اظهار کرد: مجبورم سخنان تکراری خودم را دوباره تکرار کنم و آن این است که ما در ایران رشته‌ای به نام تاریخ نداریم. چیزی که در ایران شکل گرفته یک نیم‌رشته است که معماری نشده و یک رشته ناست. یک نیست هست نما داریم به نام رشته تاریخ. بنابراین سواد تاریخی ما اکنون دچار بحران است. آرزو دارم

زمانی برسد که رشته تاریخ بازسازی شود سپس رویشی پیدا کند و جوشش در آن ایجاد شود و بشود در درون آن گرایشی یا دپارتمانی میان رشته‌ای به نام تاریخ عکاسی تأسیس کرد.

وی ادامه داد: برخلاف برخی‌ها که می‌گویند انسان فقط تاریخ دارد و در مقابل بعضی دیگر اظهار دارند که انسان فقط طبیعت دارد، بنده صراحتاً معتقدم انسان در آن واحد هم تاریخ دارد هم طبیعت. بنابراین وقتی بحث از تاریخ و ربط آن با عکاسی پیش می‌آید، باید به این موضوع توجه شود.

رحمانیان توضیح داد: جوهر عکس را هیچ نظریه واحدی نمی‌تواند توضیح دهد اما از یاد نبریم که هم دوربین و هم عکس، هستی‌های تاریخ مند هستند. در طول تاریخ ماهیت، صحبت‌هایی که درباره عکس گفته شده است، متناقض‌اند اما این به آن معنا نیست که این درست و دیگری نادرست است بلکه به این معناست که اصلاً یک تناقض میان عکس، دوربین و عکاسی وجود دارد.

این پژوهشگر ادامه داد: در سده نوزدهم آن‌هایی که از عکس به عنوان سند عینی یاد می‌کردند، همواره ادعا داشتند که عکس کاملاً یک سند واقعی است. امروزه وقتی به فرایند تولیدات عکاسانه می‌نگریم، متوجه ساده لوحانه بودن این ادعا می‌شویم که دوربین راستگو است. اما منظور ما این نیست که دوربین دروغگو است بلکه دوربین، هم راست می‌گوید هم دروغ. دوربین هم سند تولید می‌کند، هم کشف حجاب می‌کند، هم حجاب می‌دهد، هم نور است هم تاریکی، هم نابودکننده است هم فراموشی آفرین است و هم خاطره ایجاد می‌کند؛ این تناقض‌ها در ذات عکاسی نهفته‌اند.

وی افزود: یکی از اولین کسانی که درباره دوربین تعبیر درستی به کار برد مخترع دوربین بود که از آن به عنوان قلم طبیعت یاد کرد. قلمی که بر زخم‌های طبیعت مرحم می‌گذارد. بعدها در سده ۲۰ یک عکاس مجارستانی از سواد دیدمانی و سواد عکاسانه سخن گفت که بر جهان امروز چیره شده است و سپس یک کارشناس نامدار عکاسی نیز از عکاسی به مومیایی کردن زمان یاد کرد.

رحمانیان بیان کرد: خوشبختانه و از جهتی متأسفانه کتاب تاریخ نگاری و عکاسی نخستین کتابی محسوب می‌شود که درباره تاریخ عکاسی به زبان فارسی سخن گفته است. گزینش مقالات این مجموعه بسیار هوشمندانه صورت گرفته است. برخی از ۷ مقاله ارائه شده در این اثر می‌توانند به تنهایی موضوع یک نشست باشند.

این پژوهشگر با بیان اینکه آقای محمد غفوری یکی از استعدادهای درخشان در این زمینه به شمار می‌آید، گفت: یکی از مفاهیمی که در حوزه عکس باید به آن توجه شود، مفهوم معروف کادر مرزنا است. یعنی عکاسی، عکس گرفتن از چیزی در بیرون نیست بلکه رخدادی تاریخ مند است. عکاسی که محدودیت‌ها و توانمندی‌های خودش را دارد، چیزی را کادربندی می‌کند و چیزی را از بیرون به کادر عکس می‌کشد. بنابراین آن مطلب که عکس یک سند عینی بدون آلودگی ذهن است الان جز اسطوره‌های ورافتاده است؛ این موضوع به خوبی در مقالات کتاب تاریخ نگاری و عکاسی ارائه شده است.

وی در پایان اظهار کرد: اگر ایران و جامعه دانشگاهی هر چه زودتر به فکر اقتباس دانش دیدمانی مدرن که به نهادینه سازی این سواد در ایران منجر شود، نباشد، ممکن است ایران دچار آسیب‌های شدیدی شود. چون قدرت تصویر از بمب اتم بیشتر است بنابراین هر چه در این زمینه سرمایه گذاری شود باز هم کم است.

نعمت الله فاضلی، نویسنده و دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه این نشست اظهار کرد: کتاب تاریخ نگاری و

عکاسی چند ویژگی جالبی دارد که شاید همین ویژگی‌ها باعث شده است بنده که نه عکاس هستم و نه مورخ به خود اجازه سخنرانی درباره این اثر را بدهم؛ افرادی که مقالات این اثر را نوشته‌اند نه عکاس‌اند و نه تاریخ‌نگار بلکه در میان آن‌ها استاد مطالعات رسانه و روزنامه‌نگار، کارشناس مطالعات فرهنگی، فیلسوف و جامعه‌شناس به چشم می‌خورد. این موضوع بیانگر این مطلب است که مطالعات عکاسی و تاریخ‌نگاری یک حوزه میان‌رشته‌ای است. موضوعی است که در نتیجه تحولات دوره معاصر به ویژه در نیم قرن اخیر گسترش چشمگیری پیدا کرده است.

وی با اشاره به دومین ویژگی کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی اظهار کرد: مطالعات تاریخ‌نگاری و عکاسی، جز مطالعاتی محسوب می‌شود که در بخشی از دنیای فرایپچیده ما وجود دارد. موضوع ساده و سرراستی نیست که در یک رشته بگنجد و با زبان تخصصی و همگن درباره تاریخ‌نگاری و عکاسی صحبت کند. این اثر به خوبی از عهده این بحث برآمده است.

فاضلی توضیح داد: کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی بیانگر این مطلب است که پیوند تاریخ‌نگاری و عکاسی پیوندی است که در نتیجه تحولات رسانه‌ای و جهانی و تکنولوژی و ... میان تمام ساحت‌های موجودی انسان، جامعه و فرهنگ به وجود آمده است. بنابراین به زبانی نیاز داریم که بتواند پیوندهای موجود میان این ساحت‌های مختلف را نشان دهد. این زبان تلفیقی از تمام حوزه‌های اقتصاد، جغرافیا، جامعه‌شناسی و ... است؛ این نوشتار به خوبی توانسته است فهم ساحت‌های وجودی را ارائه دهد.

این نویسنده افزود: این کتاب را به شکل‌های مختلف می‌توان خواند اما خوانش مورخانه که قطعاً می‌تواند یکی از خوانش‌های غالب به این اثر باشد تنها خوانش آن نیست بلکه این نوشتار می‌تواند خوانش مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسانه، عکاسانه، جامعه‌شناسانه، مطالعات رسانه و ... نیز داشته باشد؛ امیدوارم در آینده نزدیک این اتفاق رخ دهد.

وی با بیان اینکه کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی از دریچه دوربین به دنیای معاصر نگاه می‌کند، توضیح داد: این کتاب دو محور اصلی دارد؛ نخست، بحث‌های روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه پیوندهای عکاسی و تاریخ‌نگاری است. محور دوم، فرهنگ است؛ این که چگونه می‌توانیم از پیوندهای عکاسی و تاریخ‌نگارانه به تفسیرهایی درباره فرهنگ مدرن، فرهنگ معاصر و معاصریت فرهنگ دست یابیم. رویکرد این کتاب تلاش کرده است ویژگی‌های فرهنگ معاصر (مدرن) را توضیح دهد.

فاضلی بیان کرد: این کتاب به مخاطبان چشم‌اندازی از کل خط سیر تحولات تمدن و فرهنگ نشان می‌دهد. همچنین این اثر نشان می‌دهد که جایگاه تصویر در این خط سیر چگونه است. این نوشتار به مخاطبان می‌آموزد که ظهور عکاسی ساختار ادراک انسان را تغییر داد. همچنین این اثر تا حدودی بحث‌های تئوریک عکس‌شدن را مطرح کرده اما در این زمینه خیلی موفق نبوده است. ناگفته نماند که درباره فرایند عکس‌دیدن خیلی خوب بحث کرده است. همچنین این اثر تا حدودی به عرصه عکس‌گرفتن که بسیار پیچیده است، پرداخته است.

این نویسنده اظهار کرد: عکاسی نه تنها تاریخ ما را شکل داده است بلکه این پدیده (عکاسی) نیز تحت تأثیر تحولات تاریخی، شکل‌های تازه‌ای گرفته است که با باید این شکل‌ها را بیاموزیم؛ کتاب تاریخ‌نگاری و عکاسی به خوبی به آن‌ها یعنی توجه به فهم شکل‌های تازه‌ای از تاریخ عکاسیک و عکس‌های تاریخی پرداخته است.

وی بیان کرد: این کتاب به مخاطبان می‌آموزد که عکس فقط اطلاعات را انتقال نمی‌دهد بلکه موقعیت‌هایی از تجربه و زندگی و احساسات را شکل می‌دهد که بخش عظیمی از آن در دایره خودآگاهی ما نیست.

